

مقدمه

رشد و اعتلای فرهنگ و هنر هر جامعه‌ای، از سویی در گرو سهم و بهایی است که آن جامعه در مسیر تکاملی خویش برای فرهنگ و عناصر فرهنگی‌اش قائل است و از سوی دیگر نسبت مستقیمی با نهادینه کردن و بسط فرهنگ در جامعه و نیز مناسبات فرهنگی آن کشور با دیگر کشورها دارد. بی‌تردید، ملتی که داعیه‌دار «فرهنگ پیشرو» است و در گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها پیشگامی می‌کند، بیش و پیش از همه باید به شناختی عالمانه و مبتنی بر دستاوردهای عقل جمعی در خصوص چنین ساز و کاری دست یافته و برای همه ابزار و عناصر فرهنگی خود تعاریف روشن و حقوق و حدود مشخص داشته باشد.

در این وادی باید قدر و منزلت فعالان در عرصه آفرینش‌های فکری را به خوبی دانست و از آن پاسداری نمود؛ چرا که مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، پی افکنان و طلایه‌داران فرهنگ و تمدن در هر کشورند و اگر آفرینه‌ها و آثار گرانبساز اندیشمندان و متفکران جامعه از تعرض مصون نمانند و پدید آوران، ارج گذاشته نشوند و قدر نبینند، بی‌تردید استقلال اقتصادی، علمی، فنی و فرهنگی ملت‌ها حاصل نخواهد شد و نسل‌های بعدی، دانش و هنری نخواهند آموخت.^(۱)

متأسفانه بررسی تاریخی روال قانون تعریف و تبیین حقوق آفرینندگان آثار فرهنگی و هنری در جامعه ما و نیز عدم پایبندی عملی فعالان در عرصه فرهنگ و هنر به ساده‌ترین حقوق انسانی - اخلاقی در زمینه حقوق مؤلف، گویای نوعی عقب‌ماندگی سازوکار قانونی برای حراست و دفاع از حقوق اجتماعی پایه‌ای‌ترین رکن فرهنگ، یعنی فرهنگ‌سازان و یا به تعبیری عناصر فرهنگی کشور ماست. جبران این کاستی به همراه گسترش فرهنگ احترام به حقوق آفرینندگان فکری جامعه که در آثار فرهنگی و ادبی مستجلی می‌شود، هم به رشد فرهنگی مدد می‌رساند و هم پشتوانه‌ای برای داعیه پیشرو بودن در مناسبات فرهنگی در عرصه جهانی قرار خواهد گرفت.

تعریف مسأله

قریب سه دهه از تصویب اولین قانون مدون در خصوص حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌گذرد.^(۲) صرف‌نظر از دیرکرد تصویب چنین قانونی در قیاس با قوانین جهانی و یا حتی قوانین بسیاری از کشورها، به ویژه غربی‌ها، که در چند سده قبل ریشه داشته و همگام با اصلاحات مذهبی - اجتماعی و نیز با ابداع و گسترش فن‌آوری‌های نوین رشد و تکامل یافته‌اند، می‌توان مصادیق بیشماری از عدم رعایت این قانون را برشمرد که بر بی‌اعتباری آن در سطح جامعه گواهی می‌دهد. این قانون‌شکنی، دامن طیف وسیعی از اشخاص حقوقی و حقیقی، از مدعیان «دانشگاه عمومی»، یعنی صدا و سیما، تا مردم عادی را می‌گیرد، پنخس غیر مجاز ترانه‌های خوانندگان، پنخس غیر مجاز و مکرر موسیقی فیلم‌های سینمایی هم به طور مستقل و هم به صورت صداگذاری شده بر بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های مبتذل (با کیفیت هنری نازل)، نمایش صحنه‌های فیلم‌ها و... از صدا و سیما، سرقت

تاملی در

حقوق پدید آورندگان

آثار سینمایی

رضا سالک

ادبی و اقتباس‌های غیر مجاز (بدون رعایت حقوق پدیدآورنده اثر) و حتی تسبیل غیر مجاز اثر مکتوب به یک اثر سینمایی و نام‌گذاری‌های سارقانه و... و کپی‌های غیر مجاز دست به دست از فیلم‌ها همه و همه مشتق است از نمونه خروار میزان پایبندی به حقوق آفرینندگان آثار فرهنگی در جامعه ما، که حتی سینماگران کشور (از فیلم‌نامه نویس و یا طرح‌دهنده گرفته تا کارگردان) را به نوعی وسواس و سانسور واداشته است. تا جایی که حتی راه پژوهش برای اعمال عقل جمعی و گردآوری نظرات کارشناسانه در مورد یک فیلم‌نامه و اثر را کاملاً بسته است. در این فضا، هیچ کس طرحش را به محک نظر دیگران نمی‌گذارد و از خواندن فیلم‌نامه‌اش توسط کسانی که اهل این فن هستند می‌هراسد. چرا که هیچ تضمینی برای اکران زود هنگام تر فیلمی مشابه و یا حتی عین آن وجود ندارد. همه این مسایل، ضرورت جامع‌نگری نسبت به ریشه‌ها و عوامل بروز آن و نیز تدوین قانون کارشناسی شده و اجرای مقتدرانه را دو چندان می‌سازد. به ویژه در دوره‌ای که قانون‌گرایی، محور و معیار اساسی فعالیت‌های جمعی در نظر گرفته شده است.

متأسفانه عدم تدوین قانونی مناسب در سال‌های پس از انقلاب نیز موجب شده است سیاست‌هایی غیر کارشناسی و غیر قابل تعریف مشخص، در تعیین مصداق‌های مجاز و غیر مجاز در تولید و نمایش آثار سینمایی حاکم گردد. این سیاست‌ها و ضوابط، بدون توجه به ارزش افزوده آفرینش‌های فکری در رشد فرهنگ و هنر، و نیز بدون ارزش‌گذاری به پدیدآورندگان و خالقان آثار فکری و هنری، نه تنها به تبیین حقوق آفرینندگان هنر-صنعت سینما نپرداخته است، بلکه صرفاً محدوده‌هایی کلی و مبهم را فراروی سینماگران کشور قرار داده است. بدیهی است انتظار آفرینش آثار ارزشمند، در محیطی که هر ساله، سلیقه‌ای سطحی، که خود را از چشمه‌های معرفت عقل جمعی در تدوین قانونی مناسب سیراب نکرده است، تعیین‌گر حدود مرز بی‌تعریف فعالیت سینمایی می‌شود، انتظاری نامعقول و ناپسند است.

کتابچه‌های سیاست‌های هر ساله وزارت ارشاد در سال‌های مختلف، از حاکمیت نظریه هنجاری اقتدارگر و مسلکی بر رسانه سینما حکایت دارد و این در حالی است که نه تعریف روشنی از آن اصول متصور است و نه تعریفی برای اثر سینمایی، حقوق معنوی و مادی اثر و... به دست می‌دهد.

در این مقاله، چندان اشارتی به ریشه‌های تاریخی و فرهنگی این کاستی نشده است؛ چرا که این خود مستلزم بررسی و پژوهشی جامع است.

مقاله حاضر با مرور ادبیات حقوقی در خصوص اثر، پدیدآورنده و حقوق مالکیت وی، به تبیین حقوق پدیدآورندگان آثار سینمایی، طرح تنگناها و کاستی‌های امروزی این قانون می‌پردازد. این نوشتار البته، با هدف بسط ادبیات حقوقی در میان فعالان عرصه هنر-صنعت سینما و نیز دامن زدن به دغدغه‌ها و مباحث کارشناسانه در این زمینه تهیه شده است تا از خلال گفتگوی جمعی صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران سینما، به قانونی مدون و خاص در حمایت از حقوق آفرینندگان آثار سینمایی دست یابیم.

مالکیت فکری در عرصه هنر و فرهنگ

مالکیت فکری که گاهی به مالکیت معنوی نیز تعبیر می‌شود، به

آفرینش‌های فکری و هنری بشر اشاره دارد و شامل خلاقیت‌های فکری و استعداد‌های ذهنی آدمی است و در نظام نامه‌های حقوقی جهان، جزو لاینفک حقوق بشری شناخته شده است. سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPo)^(۳) مالکیت معنوی را در دو شاخه مالکیت صنعتی^(۴) و مالکیت حق تکثیر (کپی رایت)^(۵) تقسیم نموده است. کپی رایت که به مالکیت ادبی و هنری می‌پردازد، در بسیاری کشورها به عنوان «حقوق مؤلف» شناخته می‌شود. مالکیت ادبی و هنری که «مقدس‌ترین نوع مالکیت»^(۶) است به اعتقاد برخی اندیشمندان، شخصی‌ترین و مشروع‌ترین نوع مالکیت محسوب شده و یک حق فطری است. و ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به صراحت بر آن تأکید می‌کند: «هر کس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.»

● کتابچه‌های سیاست‌های هر ساله وزارت ارشاد در سال‌های مختلف، از حاکمیت نظریه هنجاری اقتدارگر و مسلکی بر رسانه سینما حکایت دارد و این در حالی است که نه تعریف روشنی از آن اصول متصور است و نه تعریفی برای اثر سینمایی، حقوق معنوی و مادی اثر و... به دست می‌دهد.

در ابتدای بحث باید تصریح شود که شرط اساسی حمایت‌های قانونی از خلاقیت‌های فکری و هنری افراد آن است که ایده شخص حتماً در «اثری» تجسم یابد و فکر بدون شکل جزئی از دارایی عمومی است و همه می‌توانند از آن استفاده کنند. به عنوان مثال، عرضه ایده از طریق گفت‌وگو، حتی را برای کسی به رسمیت نمی‌شناسد و در واقع چیزی که متعلق به مؤلف و هنرمند و قابل حمایت است، نحوه بیان و عرضه افکار شخصی یا افکار دیگران است.

آثار سینمایی نیز از این قاعده مستثنی نیست و تا وقتی در قالبی خاص مثلاً «طرح سناریو»، «فیلم‌نامه»، «فیلم» و... تجسم نیابد و ایده‌ای محاوره‌ای باشد، قابل استفاده برای دیگران است.

اثر چیست؟ پدید آورنده کیست؟

در ماده اول از نخستین قانون مستقل و نسبتاً جامعی که در زمینه حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسید، چنین آمده است:

از نظر این قانون به مؤلف و مصنف و هنرمند پدید آورنده و به

آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته «اثر» اطلاق می‌شود.

بنابر قانون مذکور، اثر باید اصیل، ابتکاری و خلاقانه باشد و ولو این که «نو» نباشد. به عبارت دیگر، اگر چه مضمون و موضوع ممکن است در آثار مختلف یکی باشد، اما نحوه بیان هنری و پرداخت موضوع باید ناشی از ایده و خلاقیت ذهنی پدیدآورنده باشد.

در قانون مذکور، به آثار مورد حمایت اشاره شده است که «آثار سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه نمایش یا پرده سینما و...» در بند سوم آن جای گرفته‌اند.

● حق ولایت بر اثر با حق حرمت نام و عنوان پدید آورنده که از آن به حق انتساب نیز نام برده می‌شود، به پدید آورنده (و در اثر مشترک مثل فیلم سینمایی، به پدید آورندگان) این حق را می‌دهد که چون نام و عنوان پدید آورنده جزیی از شخصیت اوست، خواستار درج نام و عنوان خویش بر روی اثر باشد.

از آنجایی که فیلم سینمایی اثری مشترک بوده و نتیجه همفکری و همکاری عوامل گوناگونی از جمله فیلم‌نامه نویس، کارگردان، هنرپیشگان، فیلمبرداران، صحنه آرایان، نورپردازان، صدابرداران، تدوینگران و تهیه کنندگان و... است. جزء اصلی‌ترین مصادیق ماده ۶ نیز محسوب می‌گردد. در این ماده، اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یک‌یک آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده شده و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان محسوب گردیده است.

البته بدیهی است که تفکیک حقوق ناشی از کار و حقوق مؤلف یا پدیدآورنده اثر در نظریه‌ها و موازین حقوقی، روشن می‌سازد که از میان عوامل مختلف تولید یک فیلم، کارگردان، پدیدآورنده اصلی به شمار می‌آید. با این حال، به نظر می‌رسد که اگر ما در سینما، «اثر» را از همان لحظه اول تجسم یافتن فکر اولیه بدانیم، گام بسیار مؤثری در باروری و بالندگی سینمای کشور داشته‌ایم. این روش مستلزم وجود نظامنامه‌های حقوقی مستحکمی است که راه را برای مشارکت خلاقانه همه آحاد ملت در تولید فکر و ایده هنری را سینما بازی می‌کند. البته بدیهی است که گام نخست، باید از هرگونه گزینش کاری و ارزشیابی پرهیز داشت، چرا که اصولاً خلاقیت هنری و تولید فکری با اعمال چنین ترفندهای سانسور مآبانه، به خود سانسوری افراد جامعه منتهی شده و تنها به عقاید قالبی و کلیشه‌ای مجال رشد و نمو می‌دهد. بنابراین مناسب‌ترین روش این

است که با تعریفی روشن، از «نظام ثبت ایده‌ها و طرح‌های اولیه» که «مرجع صنفی» و به رسمیت شناخته عهده‌دار آن است و از جنبه «حقوقی» قابل دفاع توسط شخص ذی حق و شاکی، و نیز همان مرجع می‌باشد، سخن بگوییم. باید یادآور شویم که نظام ثبت، چیزی متفاوت از روال اخذ مجوز و ارزشیابی و گزینش و... است و به هر صاحب فکر و ایده‌ای، ولو این که هرگز نخواهد وارد عرصه سینما شود، کمک می‌کند تا در تولید ثروت فکری - هنری جامعه‌اش نقش داشته باشد؛ ضمن آن که اگر کسی هم خواست فیلمنامه یا فیلمی از روی طرح اولیه سازد، موظف به اخذ اجازه رسمی از صاحب ایده (حقوقی معنوی پدید آورنده اثر) و نیز پرداخت حقوق مادی اوست.

این پشتوانه حقوقی، بزرگترین خدمت را به بال یافتن سینمای حرفه‌ای که مبتنی بر تحقیقات اثرشناسی و مخاطب‌شناسی است، می‌کند.

در واقع، از همین لحظه است که کار کارشناسی و ارزیابی حرفه‌ای طرح به دور از مخاطرات ناشی از «دزدیدن رایج طرح‌ها» آغاز می‌شود: می‌توان طرح را با طرح‌های مشابه آن مقایسه و ارزیابی کرد. قابلیت طرح را در تبدیل به اثر سینمایی در طبقه‌بندی‌های سبک و ژانر سینمایی روشن ساخت و آن را با میزان اقبال و ادبار مخاطبان مختلف با آثار مشابه قبلی مقایسه نمود. حتی می‌توان برای آن، مخاطب داخلی و خارجی (بر اساس شناخت حاصل از نتایج تحقیقات مخاطب‌شناسی گسترده منطقه‌ای و جهان) در نظر گرفت و آن را تولید کرد. اگر با این سیستم، به تولید هر چه بیشتر ایده‌ها و طرح‌های اولیه برسیم، حتی فیلمنامه نویسی حرفه‌ای برای انواع مختلف ایده‌ها و طرح‌ها در جامعه رشد یافته و تهیه کنندگان می‌توانند بر اساس شناخت، طرح‌های مختلف را به فیلمنامه نویسان حرفه‌ای آن حوزه واگذار کنند. و به هر حال آنچه راه را برای همه گونه کار کارشناسی در مورد طرح اولیه - که در واقع نطفه اساسی آثار سینمایی است - می‌گشاید، همانا قانونمند کردن نظام ثبت است.

علاوه بر آثار اصلی، که اصیل بودن و خلاقیت و ابتکار شرط اساسی آن است، آثاری فرعی همچون ترجمه، اقتباس و یا ساختن فیلمی از روی رمان یا اثری دیگر وجود دارند که به استناد مواد قانونی، در خصوص حمایت از این دسته از آثار سینمایی، تصریح روشنی وجود ندارد، در حالی که در مورد کتاب و برخی دیگر آثار حمایت‌های قانونی مشخص شده است.

مالکیت هنری حقوقی دارد؛ هم مادی و هم معنوی

هرگونه آفرینش فکری که پدیدآورنده را به مالکیت اثر می‌رساند، اعم از ادبی و هنری، دارای دو دسته از حقوق است: حقوق معنوی و حقوق مادی اثر. به رسمیت شناختن این حقوق در هر جامعه و فرهنگی و اعمال قانونمند آن، به آفرینشگر فکری و هنری، شأن و جایگاه اجتماعی والا و به اجتماع، نعمت برخوردارگی از خلاقیت‌ها و اندیشه‌های گرانمایه و نیز تضمین پیشرفت فرهنگی و هنری جامعه را بخشیده است. بنابراین، هر جامعه‌ای که به جای تحدید و تهدید اندیشه‌وران و هنرمندان خویش، چنین منزلت و

جایگاه ارزشمندی را برای آنها ترسیم کرده و از حقوق معنوی و مادی آنها حمایت و حراست نماید، بر سهم خود در پیشرفت فرهنگی جهان افزوده است و از موقعیت بالاتری در مناسبات فرهنگی بین کشورها برخوردار خواهد بود.

ماده ۳ از قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، حقوق پدیدآورنده را شامل «حق بهره‌برداری مادی و معنوی از نام و اثر او» می‌داند.

برای روشن‌تر شدن حقوق مورد اشاره، هر کدام را با تفصیل بیشتری بیان می‌کنیم:

الف) حقوق معنوی پدیدآورنده اثر

حقوق معنوی مزایایی است قانونی و غیر مادی و مربوط به شخصیت پدیدآورنده یک اثر فکری، که به موجب آن وی برای همیشه از یک دسته حقوق خاص برخوردار است. برخی حقوقدانان از آن با عنوان «حقوق اخلاقی» که معادل فرانسوی آن است یاد کرده‌اند (۷).

قانون مصوب ۱۳۴۸، اگر چه تعریف روشنی از حقوق معنوی نداده است، اما این حقوق را محدود به زمان و مکان ندانسته و غیر قابل انتقال می‌داند (ماده ۴). بنابر صراحت قانون‌گذار در عدم محدودیت زمانی و مکانی حقوق اثر می‌توان دریافت که اولاً حقوق معنوی خالق اثر دائمی است و پس از مرگ او هم تداوم دارد و نیز به محل اقامت وی یا محل نشر، عرضه و نمایش اثر و هر عامل مکانی دیگر بستگی ندارد.

حقوق معنوی شامل حقوق زیر است:

۱- حق انتشار

مؤلف یا هنرمند تنها کسی است که می‌تواند درباره انتشار یا عدم انتشار اثر خود تصمیم بگیرد و نمی‌توان او را مجبور به انتشار اثرش کرد. (۸)

در حقوق فرانسه به موجب ماده ۱۹ قانون ۱۹۵۷، علاوه بر این حق، به پدیدآورنده حق می‌دهند که با وجود داشتن قرارداد برای نشر، از تحویل اثر خودداری کرده و صرفاً خسارات وارد شده به متعهد را جبران کند. دلیل اعطای حق مذکور چنین تبیین می‌شود که احترام به شخصیت پدیدآورنده ایجاب می‌کند اگر از کار خود راضی نیست و نمی‌تواند آن را منتشر کند، کسی نتواند او را مجبور به تسلیم و نشر اثرش کند، این در حالی است که اگر چه در حقوق ایران نص خاصی در این باره نیست، اما با توجه به قوانین عمومی معاملات و اصل لزوم قرارداد، پدیدآورنده اثر دارای چنین حقی شناخته نمی‌شود. (۹) اگر حق انتشار را در فضای حرفه‌ای سینما تفسیر کنیم، می‌توانیم از عبارت حق پخش استفاده کنیم که کارگردان فیلم یا تولیدکننده اصلی این فرآورده فرهنگی - هنری از آن برخوردار است. به عنوان نمونه، آیا اگر کارگردانی از محصول نهایی اثرش راضی نباشد و به هر دلیل مایل به تحویل آن به تهیه‌کننده و پخش آن باشد، چه باید کرد؟

به تحقیق، آنچه تأمل در چنین حقی را شایسته می‌سازد، احترام و ارزشی است که برای آفرینشگران آثار سینمایی باید قابل بود که

مالکان حقیقی آثار شناخته می‌شوند.

۲- حق انتساب

حق ولایت بر اثر یا حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده که از آن به حق انتساب نیز نام برده می‌شود، به پدیدآورنده (و در اثر مشترک مثل فیلم سینمایی، به پدیدآورندگان) این حق را می‌دهد که چون نام و عنوان پدیدآورنده جزئی از شخصیت اوست، خواستار درج نام و عنوان خویش بر روی اثر باشد.

ماده ۳ از قانون حمایت حقوق مؤلفان و هنرمندان، حق بهره‌برداری از نام را جزء حقوق پدیدآورنده ذکر کرده و ماده ۱۷، مؤکداً نام و عنوان و نشان ویژه معرف اثر را مشمول حمایت قانونی می‌داند و تصریح می‌کند هیچ کس نمی‌تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبه کند به کار برد.

در ماده ۱۸ از همین قانون نیز انتقال گیرنده، ناشر و کسانی که اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند ناچار می‌سازد که نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر اعلام و درج نمایند، مگر آن‌که شخص پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد.

۳- حق حرمت اثر

حرمت اثر و شخصیت محترم پدیدآورنده موجب می‌شود تا هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع گردد (ماده ۱۹). بنابر این روشن است که هیچ‌کس نمی‌تواند اثری را بدون موافقت پدیدآورنده تغییر دهد و تنها خود اوست که چنین حقی را برای تکمیل یا تطبیق اثرش با افکار جدید خود داراست.

این حق مشتمل بر دو وجه ایجابی و سلبی است. او هم می‌تواند بخش‌هایی از اثر خود را حذف و یا جابه‌جا نماید و هم بخش‌هایی بر آن بیفزاید، اما هیچ‌کس دیگری اعم از شخصیت حقیقی یا حقوقی

● حق نشر و تکثیر اثر به منظور بهره‌برداری مادی از آن، ویژه پدید آورنده است. در ماده ۳ از قانون ایران، حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر از آن پدید آورنده در نظر گرفته شده است و حقوق مادی ناشی از آن هم به خود او تعلق می‌گیرد. البته پدید آورنده می‌تواند این حق را به دیگری انتقال دهد.

ضرورت تأمین مایحتاج زندگی و سود حاصل از درآمد هر کاری، حوزه فعالیت‌های فکری و هنری را هم دربرمی‌گیرد. در این عرصه، هرگونه منفعت و بهره‌برداری مالی و تصرف در اثر که متضمن استفاده مادی باشد، متعلق به پدیدآورنده است. این حقوق که از آن به حقوق مادی یا مالی تعبیر می‌شود، «قابل انتقال» و «موقتی» است. ویژگی اول بر این تأکید دارد که پدید آورنده می‌تواند همه حقوق و امتیازات مالی خود یا قسمتی از آن را به دیگری انتقال دهد. اولین بند از ماده ۵ قانون ایران بر واگذاری حقوق مالی فیلم‌های سینمایی به غیر تصریح دارد.

در بند ۷ نیز که حق مادی به کاربردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگر را قابل انتقال تلقی می‌کند، به فیلم‌سازان یا فیلم‌نامه نویسان این اجازه را قانوناً می‌دهد که با رعایت حق مالی پدیدآورندگان آثار دیگر، از جمله داستان یا رمان، به صورت معوض یا مجاز، به تولید آثار سینمایی بپردازند.

علاوه بر این ویژگی، حقوق مادی «موقت» است و دلیل آن هم تعلق اثر به جامعه و عموم مردم، که در واقع زمینه‌ساز و تأمین کننده امکانات پدیدآمدن اثر بوده‌اند، ذکر شده است.

بنابراین در خصوص آثار مورد حمایت قانون ایران، مدت استفاده از حقوق مادی تا سی سال پس از مرگ پدید آورنده در نظر گرفته شده است. با این حال فرآورده‌های سینمایی، دارای ویژگی‌های خاصی محسوب شده و حقوق و حدود آن به گونه‌ای دیگر تبیین شده و استثنائی به خود گرفته است.

اولاً حقوق مادی این اثر که با عنوان «اثر مشترک» شناخته می‌شود، طبق تبصره ماده ۱۲، تا سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود. البته بدیهی است که طبق ماده ۵، هر کدام از آنها می‌توانند حقوق مادی خود را در تهیه فیلم‌های سینمایی به غیر واگذار کنند.

ثانیاً بر اساس نص ماده ۱۳ از همین قانون، حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدیدآوردن اثر متعلق به سفارش دهنده است، مگر آن که برای مدت کمتر با ترتیب محدودتری توافق شده باشد.

این در حالی است که اگر حقوق مادی اثری به دیگری انتقال یافته باشد، به استناد ماده ۱۴، تا سی سال پس از واگذاری به انتقال گیرنده تعلق دارد. مگر این که برای مدت کمتر توافق شده باشد. به این ترتیب اگر کارگردانی حقوق مادی خود را به تهیه کننده فیلم انتقال دهد (طبق قرارداد و شرایط مورد توافق)، مدت بهره‌برداری از حقوق تا سی سال پس از واگذاری برای انتقال گیرنده ذکر شده است. با این حال ماده ۱۵، پس از انقضاء مدت‌های مواد ۱۳ و ۱۴، دوباره حقوق مادی را متعلق به پدیدآورنده می‌داند.

ثالثاً به طور خاص، اثر سینمایی در ماده ۱۶، دارای حقوق مادی سی ساله برای پدیدآورنده از تاریخ عرضه شناخته شده است. همین مدت برای آثار متعلق به اشخاص حقوقی مثل صدا و سیما و... تعیین گردیده است.

بنابراین ابهامات بسیاری در خصوص تناقض مواد ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ وجود دارد. ذکر این نکته مفید است که برخلاف حقوق ایران، در حقوق فرانسه مدت حمایت اثرهای سینمایی محدود

● بدیهی است که شرایط تقسیم کار و تخصصی بودن آن و نیز ضرورت تأمین مایحتاج زندگی و سود حاصل از درآمد هر کاری، حوزه فعالیت‌های فکری و هنری را هم در بر می‌گیرد. در این عرصه، هرگونه منفعت و بهره‌برداری مالی و تصرف در اثر که متضمن استفاده مادی باشد، متعلق به پدید آورنده است.

بدون موافقت او چنین حقی ندارد و در صورت اعمال دستکاری، او می‌تواند طبق قانون هم از پخش آن ممانعت و هم شکایت قانونی نماید.

۴- حق عدول یا استرداد (در حقوق فرانسه)

حقوق فرانسه، حق مکمل دیگری برای حقوق معنوی آفرینشگران قائل است که به موجب آن، پدیدآورنده می‌تواند علی‌رغم قرارداد انتقال بهره‌برداری از اثر به دیگری و حتی بعد از انتشار، از تصمیم خود عدول کرده و اثر را پس بگیرد، مشروط بر این که خسارت منتقل‌الیه را از پیش جبران نماید.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد در حقوق ایران چنین حقی برای پدید آورنده در نظر گرفته نشده و او بر طبق ماده ۲۱۹ قانون مدنی که عدول از قرارداد را غیر قانونی می‌داند. مجبور به انجام قرارداد است.

(ب) حقوق مادی

بدیهی است که شرایط تقسیم کار و تخصصی بودن آن و نیز

نشده است و حتی به موجب قانون ۱۹۵۷ فرانسه، مدت حمایت از اثر سینمایی که یک اثر مشترک تلقی می‌شود، تا پنجاه سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده است (ماده ۲۱) و به عبارت دیگر مدت حمایت در مورد آثار سینمایی بیشتر از مدت عادی حمایت از سایر آثار است.^(۱۰) مقررات کنفرانس استکهلم مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷ در این زمینه نیز، مدت حمایت از اثرهای سینمایی را تا پنجاه سال بعد از مرگ پدیدآورندگان تصویب کرده است.

تناقض از آنجا ناشی می‌شود که اگر ما اثر سینمایی را اثر مشترک می‌دانیم، طبعاً مشمول حمایت قانونی تبصره ماده ۱۲ شده و تا سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود؛ اگر فرض بر این بگیریم که همه عوامل و پدیدآورندگان از جمله پدیدآورندگان اصلی (کارگردان و فیلم‌نامه‌نویس) حقوق مادی خود را طبق قراردادی به دیگری (مثلاً تهیه‌کننده به عنوان شخص حقیقی و یا سازمانی با عنوان شخص حقوقی) واگذار کرده باشند، حقوق مادی آن مشمول مواد ۱۳ و ۱۴ این قانون خواهد شد. که با رعایت ماده ۱۵، پس از اتمام سی سال، حقوق مذکور در صورت حیات، به پدیدآورنده اصلی و در غیر این صورت به وراثت وی منتقل می‌شود. بنابراین وجود محدودیت ماده ۱۶ که مدت حق مادی را تا سی سال در نظر می‌گیرد، برای چیست؟

برای پدیدآورندگان آثار سینمایی، مهم‌ترین حق مادی بر اساس قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان عبارت است از:

حق نشر و تکثیر

حق نشر و تکثیر اثر به منظور بهره‌برداری مادی از آن، ویژه پدیدآورنده است. در ماده ۳ از قانون ایران، حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر از آن پدیدآورنده در نظر گرفته شده است و حقوق مادی ناشی از آن هم به خود او تعلق می‌گیرد. البته پدیدآورنده می‌تواند این حق را به دیگری انتقال دهد.

با این حال ماده ۸ استثنائاً به مؤسسات علمی و آموزشی که به صورت غیر انتفاعی اداره می‌شوند، اجازه داده است تا از اثرهای مورد حمایت قانون (از جمله آثار سینمایی) به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند.

صرف‌نظر از این مورد، آنچه شایان ذکر است، نحوه استفاده سینماگران ایران از این حقشان است. در اغلب موارد، کارگردانان ایرانی و سایر عوامل تولید فیلم ترجیح می‌دهند که حقوق مادی ناشی از اثر خود را طبق قراردادی با تعیین دستمزد به طور کلی به تهیه‌کننده (اغلب از شخص حقیقی یا حقوقی) واگذار نمایند و به این ترتیب خود را از سود حاصل از نمایش مکرر فیلم و یا نمایش آن از طریق تلویزیون و یا حضور در بازارهای جهانی محروم و یا محدود سازند، مگر آن که خودشان هم در سرمایه‌گذاری مشارکت داشته و یا تهیه‌کننده باشند. به این ترتیب آنها در واقع حقوق مادی خود را به دیگران انتقال داده‌اند و به جز دستمزد مقرر و یا گاهی بخش اندکی سود حاصل از اکران اول، در سایر موارد، بهره‌ای از حقوق مادی اثر نبرند.

سایر حقوقی که برای پدیدآورندگان دیگر آثار در قانون ذکر شده شامل حق ترجمه، حق اقتباس و تلخیص و تبدیل، حق عرضه

و اجرا و حق استفاده، از پاداش و جایزه، باید تأکید داشت که حقوق مادی اثر در ایران موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد شد که «اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلاً در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد» ماده ۲۲. بنابراین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، قانون مذکور از آثاری که برای نخستین بار در کشور نشر یا پخش نشده باشد از نظر حقوق معنوی حمایت کرده و دیگر اشخاص اجازه ندارند به حقوق معنوی پدیدآورندگان آثار تجاوز کنند اما از حقوق مادی آنها دفاع نمی‌کند.

ضمن آن که چون پخش یا نمایش مصدر شمول چنین حکمی است، اگر فیلمی در ایران تولید شود اما برای اولین بار در یکی از جشنواره‌های خارجی نمایش داده شود و اولین نمایش آن در ایران نباشد، مصداق چنین حکمی قرار خواهد گرفت.

این در حالی است که چون حقوق مذکور برای حمایت از منافع مادی و معنوی پدیدآورنده ابداعات فکری در نظر گرفته شده و ارتباطی با تابعیت او یا محل انتشار اثر ندارد، در قانون فرانسه چنین محدودیتی وجود ندارد.

۱- حمیدآینی، حقوق آفرینشهای فکری، تهران نشر حقوقدان، ۱۳۷۵.

ص ۱۷.

۲- مصوب ۱۱ دی ماه ۱۳۴۸

3- World Intellectual Property Organization

4- Industrial Property

5- Copyright

۶- دکتر سید حسین صفایی، مقاله مالکیت ادبی و هنری

۷- حمیدآینی، همان منبع، ص ۱۳۳

۸- دکتر سید حسین صفایی، همان منبع

۹- همان منبع

۱۰- همان منبع

سایر منابع:

برای تدوین این مقاله منابع زیر نیز مورد مطالعه قرار گرفت:

- آذری، کیوان، «حقوق معنوی پدیدآورنده اثر»، نشریه دانشکده، حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۲، تیرماه ۱۳۶۰.

- صفایی، سید حسین، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، نشر میزان، تهران، ۱۳۷۵.

- مشیریان، محمد، حق مؤلف و حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۹.

- کتاب «حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزار»، دبیرخانه شورای عالی انفورماتیک، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۳.

- کتابچه سیاست‌ها و روش‌های اجرایی سینمایی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷.